

# سراسری ۹۹ داخل کشور

## پاسخ‌نامه آزمون عمومی رشته ریاضی

### زبان و ادبیات فارسی

۱- **گزینه ۲** معنای صحیح واژه‌ها: **بدسگال**: بداندیش، بدخواه - **عنود**: ستیزه‌کار، دشمن و بدخواه - **تیمار**: غم، اندیشه، خدمت و غمخواری - **دلّاک**: کیسه‌کش حتمّام، مشت و مال‌دهنده - **دوده**: دودمان، خاندان، طایفه - **خیره**: متحیر، سرگشته - **بردمیدن**: خروشدن، برخاستن  
 در **۱**، معنای ارائه‌شده برای **سه** واژه (بدسگال، تیمار، خیره) مناسب و صحیح است. در **۲**، معنای **چهار** واژه (عنود، تیمار، دوده، بردمیدن)، به‌درستی ذکر شده، در **۳** معنای **دو** واژه (تیمار، دوده) صحیح نوشته شده، و در **۴** معنای ارائه‌شده برای **سه** واژه (بدسگال، دلّاک، خیره) مناسب و صحیح است.  
 در گزینه‌های **۱** و **۲**، «برگردانیدن» معنای واژه **برگاشتن**، در **۳**، «بدبختی» معنای واژه **ادبار** و در **۴** هم، «مهبیب» معنای واژه **ذمان** است.

۲- **گزینه ۲** در این گزینه، فقط واژه **پدرام** نادرست معنی شده که معنای صحیح آن، «آراسته، نیکو، شاد» است. واژه‌هایی که در گزینه‌های دیگر غلط معنی شده‌اند:

**۱** **بر**: خشکی، بیابان - **ویلّه**: صدا، آواز، ناله (یله به معنی «آزاد، رها» است). **۲** **ایدون**: چنان، چنین - **آشابه**: جمع شبه؛ ماندها، همانندان - **وظیفه**: مقرری، وجه معاش / **۳** **پایمردی**: خواهشگری، میانجی‌گری، شفاعت - **ادبار**: نگون‌بختی، پشت کردن، متضادّ اقبال

۳- **گزینه ۳** واژه‌هایی که نادرست معنی شده‌اند به همراه معنای صحیح آن‌ها:  
 «ب»: **متقاعد**: مُجاب‌شده، مجاب، قانع‌شده («هم‌عقیده» معنای واژه **متفق** است). - **تقصیر**: کوتاهی، گناه، کوتاهی کردن  
 «ج»: **حریف**: دوست، همدم، همراه، رقیب - **درهم**: درم، مسکوک نقره (دینار، مسکوک طلا است).

۴- **گزینه ۲** غلط‌های املائی موجود در متن به همراه شکل صحیح آن‌ها:

**مُتاع** ← **مُطاع**: **مُتاع** به معنی «رخت و اسباب و کالا» وجه و تناسبی با عبارت ندارد و با توجه به معنی و همراهی واژه‌های منظور، محترم و مکرّم، می‌توان دریافت که **مُطاع** (اطاعت‌شده، درخور اطاعت) صحیح است.  
**قالب** ← **غالب**: با توجه به معنا می‌توان دریافت که **غالب** (چیره، مسلط) صحیح و مناسب است نه **قالب** (شکل و چارچوب، جسم و پیکر). «نه آزی غالب است» یعنی هیچ حرص و طمعی [بر من] غالب و چیره نیست.

۵- **گزینه ۱** در این متن، دو واژه **قربت** و **زَلّت** املائی غلطی دارند. با توجه به معنای جمله **اول**، **عُربت** (دوری از شهر و خانه) صحیح است و **ذَلّت** به معنای «خواری، مقابل عزّت» نیز باید جایگزین **زَلّت** (لغزش و خطا، گناه) شود.

۶- **گزینه ۱** با در نظر گرفتن معنای بیت و حضور واژه **تیغ**، می‌توان حدس زد که **غزا** به معنی «جنگ و جدال، پیکار» صحیح و مناسب است نه **قضا** (تقدیر، سرنوشت، قضاوت).  
 ناگفته نماند که صورت اصلی بیت دستخوش تغییر شده است.

۷- **گزینه ۳** بیت «الف» مربوط به قلمرو فکری درس یازدهم (خاک آزادگان) از کتاب فارسی ۱ شماس است.  
 بیت «ب» هم از گنج حکمت (کاردانی) درس دوازدهم از کتاب فارسی ۲ شما انتخاب شده است.  
**۱** بچه‌ها نگران نباشید سؤال سخت و غیراستاندارد، برای همه رقبای شما سخت و غیراستاندارد است!!!  
**۲** امیدواریم این رویکرد طراحان سؤال در مورد سؤالات تاریخ ادبیات موقتی و گذرا باشد؛ چون طرح چنین سؤالاتی فقط دانش‌آموز را از درک و دریافت اطلاعات مفید تاریخ ادبیاتی گریزان می‌کند.

۸- **گزینه ۲** در این گزینه سه تشبیه وجود دارد: ۱- تو (مخاطب) به موج تشبیه شده ۲- عقد گوهر [مانند] خوشه است. ۳- خرمن دریا (اضافه تشبیهی)  
 بررسی سایر گزینه‌ها:  
**۱** ۱- طبعم چون بلبل است. ۲- طوطی طبع (اضافه تشبیهی) ← ۲ تشبیه  
**۲** ۱- خاک قناعت (اضافه تشبیهی) ۲- آب شور تمنا (اضافه تشبیهی) ← ۲ تشبیه  
**۳** ۱- خاکش چون سنگ سرمه است. ۲- خاکش [چون] پیرایه است. ← ۲ تشبیه

۹- **گزینه ۳** بررسی آرایه‌های «تشبیه، استعاره و جناس» در بیت **۳** تشبیه: سرای دیده (اضافه تشبیهی) / استعاره: گوشه استعاره مصرّحه از دیده عاشق است. / جناس: خیل و خیال (ناهمسان)  
 بررسی سایر گزینه‌ها:  
**۱** استعاره: کمند استعاره مصرّحه از عشق است. / جناس: در و سر / تشبیه: ندارد.  
**۲** تشبیه: چین زلف (اضافه تشبیهی) زلف در دوری و درازی به کشور چین تشبیه شده است. / استعاره: مخاطب قراردادن دل و شرح حال گفتن باد صبا تشخیص و استعاره دارد. / جناس: ندارد.  
**۴** تشبیه: ۱- دلم چون پیاله شکست. ۲- جگرم چون لاله سوخت. / استعاره: جگرداشتن لاله تشخیص و استعاره دارد. / جناس: ندارد.

**۱** واژه «چین» در بیت **۲** ایهام دارد: ۱- پیچ‌وخم ۲- کشور چین. در معنای دوم، چین زلف اضافه تشبیهی است.



**توضیح**

این سؤال با رویکرد دستور زبان نظام قدیم طرح شده و با آموخته‌های دانش‌آموز نظام جدید تطابق ندارد؛ در کتاب‌های درسی جدید به نوع «متمم» و جزء اصلی بودن یا نبودنش اشاره‌ای نشده است.

۱۳- **گزینه ۲** رابطه معنایی گروه‌واژه‌های این گزینه «ترادف» است؛ یعنی هم‌معنی هستند.

در سایر گزینه‌ها رابطه معنایی «تضمن» دیده می‌شود. «رمضان و تشنگی» مثال خوبی برای رابطه تضمن نیست.

۱۴- **گزینه ۱** اصطلاح «مرگب» مربوط به نوع کلمه است و می‌دانیم که واژه «صفت» می‌تواند مرتبط با نوع یا نقش کلمه باشد. در این جا با توجه به صورت سؤال، نوع کلمه مد نظر است؛ بنابراین ۱ که در آن، هشت صفت مرگب وجود دارد، پاسخ صحیح است: دوست‌گش، بیگانه‌پرور، دیرجوش، زودرنج، سست‌پیمان، سخت‌دل، مشکل‌پسند، آسان‌گسل

۲ پنج صفت مرگب دارد: آتش‌بار، یأس‌آور، امیدسوز، دردافکن، درمان‌گسل.

۳ سه صفت مرگب دارد: مردم‌فریب، تقواکش، ایمان‌گسل.

۴ چهار صفت مرگب دارد: گوهر‌بیز، مرجان‌فروش، خون‌ریز، شریان‌گسل

**گزینه ۱۵**

«ب»: چشم خوش‌نگاه آن سمن‌بر هسته صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه

این بیت غلط تایپی دارد: «خوش» درست است نه «خویش».

«ج»: گل این باغ هسته صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه  
«ه»: رخسار آن خورشیدطلعت هسته صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه

**نکته**

در بیت‌های «ب» و «ه» واژه‌های «سمن‌بر» و «خورشیدطلعت» صفت جانشین اسم هستند و نقش اسم (مضاف‌الیه) را پذیرفته‌اند.

برای درک این که دو بیت «الف» و «د» وابسته وابسته ندارند، «درست‌خوانی» شرط اساسی است.

«الف»: باغ خلد، این ریحان جان‌پرور نمی‌دارد. در گروه «این ریحان جان‌پرور»، «ریحان» هسته است که یک وابسته پیشین و یک وابسته پسین پذیرفته است و وابسته وابسته ندارد.

«د»: آن زلف معنبر، بار شانه بر نمی‌دارد.

تا وقتی فعل جمله مسندخواه نباشد، مسند هم نداریم. به‌جز فعل جمله مصراع سوم، سایر فعل‌ها مسندخواه نیستند، و فعل «نیست» در هر سه مصراع در معنی «وجود ندارد» به کار رفته است: برای شراب مستی وجود ندارد - برای سرو به‌جز پستی وجود ندارد -

در او هستی وجود ندارد.

۱۶- **گزینه ۱** تا وقتی فعل جمله مسندخواه نباشد، مسند هم نداریم. به‌جز فعل جمله مصراع سوم، سایر فعل‌ها مسندخواه نیستند، و فعل «نیست» در هر سه مصراع در معنی «وجود ندارد» به کار رفته است: برای شراب مستی وجود ندارد - برای سرو به‌جز پستی وجود ندارد -

در او هستی وجود ندارد.

۱۰- **گزینه ۱** در این بیت واج‌آرایی در تکرار صامت‌های /ز/ (۷ بار) و /ر/ (۷ بار) به چشم می‌خورد. ولی حسن تعلیل دیده نمی‌شود؛ یعنی هیچ علت یا دلیل شاعرانه‌ای برای پدیده‌ای طبیعی ذکر نشده است. بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ ایهام: آب: ۱- آبرو و اعتبار ۲- مایع حیات‌بخش / کنایه: از در راندن کسی ← ترک و طرد کردن او

۳ استعاره: نرگس در مصراع دوم استعاره مصرّحه از چشم معشوق است؛ هم‌چنین شرم‌داشتن دیده‌آهو تشخیص و استعاره دارد (مکنیه). تشبیه: در این بیت، تشبیه پنهان وجود دارد: چشم معشوق مانند چشم آهوست و حتی از آن هم زیباتر است.

۴ تلمیح به داستان حضرت یوسف علیه السلام / ایهام تناسب: واژه «سودا» در این بیت در معنای «اندیشه، هوس و عشق» است، ولی در معنای دادوستد و معامله (غیر قابل قبول) با یوسف و داستان او تناسب دارد. هم‌چنین در معنای سیاهی می‌تواند با «شب» تناسب ایجاد کند.

۱۱- **گزینه ۲** با توجه به کلید سازمان سنجش که ۴ است:

در بیت «ج» «سبب زرخدان» اضافه تشبیهی است که در آن، زرخدان (= چانه) به سبب مانده شده است.

در بیت «الف» بستر و بالین داشتن شبین تشخیص و استعاره دارد.

در بیت «د» «نگاه گرم» حس‌آمیزی دارد.

در بیت «ب» واژه «راست» مخفف «را است» می‌باشد؛ اما در معنی «اصطلاح موسیقایی» با «نی» تناسب دارد.

اما از منظری دیگر، در بیت «د» واژه «تاب» ایهام‌ساز است که در بیت در معنای تحمل و طاقت و توان قابل قبول است، ولی در معنای گرما و داغی (غیر قابل قبول) با واژه‌های گرم و آفتاب تناسب می‌سازد.

در بیت «ب» ناله نی تنگ شکر در آستین دارد؛ یعنی ناله و نوای نی شیرین است (آمیختن دو حس شنوایی و چشایی).

بنابراین ۳ نیز می‌تواند صحیح باشد.

۱۲- **گزینه ۲** الگوی «نهاد + فعل» مخصوص جمله‌هایی است که فعلشان به مسند، مفعول و متمم فعلی نیاز ندارد. جمله‌های «ب» و «ج» فعلشان اسنادی است و نیاز به مسند دارند، پس گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ حذف می‌شوند.

«ب»: نظر به لاله و سنبل دلیل صدق نباشد.

نهاد مسند فعل اسنادی

«ج»: سعدی از این پس نه عاقل است نه هشیار است.

نهاد مسند فعل اسنادی مسند

بررسی مصراع‌های پاسخ:

«الف»: از اندیشه تا وصول بسیار فرق باشد:

نهاد فعل

در این جا «باشد» در معنی «وجود دارد» هست» به کار رفته است و اسنادی نیست که مسند بپذیرد. مفعول و متمم فعلی هم ندارد. فعل‌های دو جمله دیگر، به هیچ عنوان مسندپذیر نیستند، مفعول و متمم فعلی هم لازم ندارند:

«د»: امید وصال، هم‌چنان ز سر به در نرود

نهاد فعل

«ه»: سرو سخنگوی من دی (= دیروز) به چمن برگزشت

نهاد فعل

بررسی سه گزینه دیگر:

- ۲ وابسته و ابسته: لعل لبث؛ ضمیر «ت» مضاف‌الیه مضاف‌الیه است.  
 ترکیب وصفی: یک ذره  
 ۳ «را»ی حرف اضافه: شراب را = برای شراب؛ سرو را = برای سرو  
 «را»ی نشانه مفعول: دهن تو چه کسی را نیست می‌پندارد؟ ما را  
 ۴ مصراع سوم: دهن تو ما را نیست می‌پندارد.  
 نهاد مفعول مسند فعل

سخنور خردمند است و می‌گوید روان سخنور خردمند در آسایش است؛ به عبارت دیگر سخن سنجیده و خردمندانه مایه آرامش است. پس این بیت هم با سایر ابیات تناسب دارد. ولی مفهوم ۲ متفاوت است و می‌گوید: اگرچه سخن بسیار زیبا باشد اگر برای مخاطب غیر قابل باور باشد آن را دروغ می‌پندارد.

۲۱- گزینه ۲ در همانند بیت سؤال سخن از این است که بدون فنا شدن از خود، به وصل یار نمی‌توان رسید.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱ نزدیک دانستن مرگ خود و طلب دیدار یار: اگر می‌خواهی مرا ببینی زودتر به دیدار من بیا که دور از چهره زیبایت باشد (و یا در دوری از چهره زیبای تو) بقای خودم را زیاد نمی‌دانم و به زودی خواهم مرد.  
 ۳ کسی که قدر وصال را نداند گرفتار فراق می‌شود.

۴ وحشت‌ناداشتن از فقر و فنا در راه معشوق و دل بستن به بقای عشق

۲۲- گزینه ۴ مفهوم ۴ این است که هر کس شایسته اسرار عشق نیست. ولی مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها این است که عشق را نمی‌توان پنهان داشت و ظاهر عاشق راز دل او را افشا می‌کند.

۲۳- گزینه ۳ در همانند بیت صورت سؤال توصیه به دعای شب و صبحگاه دیده می‌شود و دعا کردن مشکل گشا دانسته شده است. مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱ دعا برای از بین رفتن دشمنان ممدوح  
 ۲ آرزومند برآورده شدن دعا در حق پادشاه  
 ۴ دعا کردن پیوسته برای دولت و سعادت‌مندی ممدوح

۲۴- گزینه ۱ در گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ سخن از از خود بی‌خود شدن عاشق با دیدن یار و جلوه معشوق است؛ ولی در ۱ شاعر معتقد است حسن یار نیاز به هیچ توصیف و بیانی ندارد و زیبایی او آشکار است.

۲۵- گزینه ۴ در همانند صورت سؤال مفهوم خودحسابی آشکار است. مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱ انسان خطاکار در زمان محاسبه ملایم و بی‌ادعا می‌شود.  
 ۲ شاعر از مورد حسابرسی قرار گرفتن تعجب می‌کند.  
 ۳ صبح پیری مثل صبح قیامت است؛ از آن رو برای حسابرسی عینک بر چشم می‌گذاریم.

۱۷- گزینه ۳ اگر مثل فرهاد در تلخی فراق بمیرم مهم نیست، حکایت‌های شیرین عشق من باقی خواهد ماند: باقی‌ماندن نام نیک عاشق جان‌باز.

بررسی سایر ابیات:

۱ معنی بیت این است که: قبلاً که زیبا بودی کارهای زشت می‌کردی، حالا که (با گذر زمان) زشت شدی اخلاقت را در عوض خوب کن. اگر از این بیت مفهوم گذر عمر و زمان، و پیری مخاطب را در نظر بگیریم، می‌توانیم توصیه به دریافته شدن و غنیمت‌دانستن بقیه عمر، برای کارهای درست را از بیت استخراج کنیم: دریافته شدن باقی عمر.

۲ برتری مست می‌گسار بدون ریا بر زاهد ریاکار: مذمت تزویر  
 ۴ از جان خود می‌توان گذشت ولی از دوستان جانی نمی‌توان برید: برتری یاران جانی بر جان. چون این مفهوم جان‌باختن در راه دوست و یار جز با عشق توجیه نمی‌شود، می‌توانیم به زحمت از بیت تأثیر عشق را برداشت کنیم.

در واقع جز مفهوم بیت ۲ هیچ‌کدام از مفاهیم با بیت خود کاملاً متناسب نیستند ولی مفهوم بیت ۳ از همه غیر قابل قبول‌تر است.

۱۸- گزینه ۲ در گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ مفهوم قانع شدن به کم‌ترین بهره از یار مشترک است و فواید قانع بودن به هر شکل و طریقی بیان شده است. در ۲ شاعر می‌گوید: هر کس از اتفاقات و حوادث به جای عبرت گرفتن به تماشا کردن قناعت کرد، مانند آن است که به جای گوهر و مروارید به کف روی آب دریا قانع شده باشد. پس مفهوم ۲ نکوهش عبرت‌نبردن از حوادث است.

۱۹- گزینه ۳ در گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ سخن از خرم شدن جهان در بهار و روییدن گل‌ها است. اما در ۳ سخن از حسن یار و برتری زیبایی او بر زیبایی بهار است.

حلقه در گوش کسی کردن کنایه از بنده و فرمانبردار کردن اوست.

۲۰- گزینه ۲ مفهوم بیت سؤال سنجیده‌گویی و با فکر و تأمل سخن گفتن است. در گزینه‌های ۳ و ۴ نیز این مفهوم دیده می‌شود و باید در گزینه‌های ۱ و ۲ به دنبال پاسخ بگردیم. ۱ در ستایش